

# ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

---

با آثاری از:

سید حسن امین

محمود امیدسالار

اکبر ایرانی

کوروش انگالی

دکتر نصرت الله جهان‌شاه لوقاجار

حبیب برجیان

بیژن شاهمرادی

شهین سراج

زهرا طاهری

محمد علی طالقانی

احمد مهدوی دامغانی

جلال متینی

---

# ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران  
و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

مدیر

جلال متینی

نقد و بررسی کتاب

زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی

زیر نظر: ویلیام ال. هَنووی، دانشگاه پنسیلوانیا

هیأت مشاوران

یپتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک

جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ

راجر سیوری، دانشگاه تورنتو

حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

مشاوران متوفی

ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران

محمد جعفر محبوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام

یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi

P.O.Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A

تلفن: ۲۵۶۴-۲۷۹ (۳۰۱)

فکس: ۲۶۴۹-۲۷۹ (۳۰۱)

Internet: [www.Iranshenasi.net](http://www.Iranshenasi.net)

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۵۵ دلار، برای دانشجویان ۴۵ دلار، برای مؤسسات ۱۴۰ دلار

در خارج از آمریکا، هزینه پست هوایی افزوده می شود:

کانادا ۱۹ دلار، سایر کشورها ۴۲ دلار

حروفچینی کامپیوتری و تنظیم: مؤسسه انتشاراتی «پیچ»، واشنگتن دی. سی.

## فهرست منابع

شمس قیس = شمس الدین محمد بن قیس الرازی. المعجم فی معاییر اشعار العجم. به تصحیح علامه فقید سعید مرحوم محمد بن عبدالوهاب قزوینی. با مقابله با شش نسخه خطی قدیمی و تصحیح مدرس رضوی. تهران: کتابفروشی تهران ۱۳۳۸.

عنصری، دیوان استاد عنصری بلخی. به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، تهران: سنایی، ۱۳۶۳.

فرخی سیستانی. دیوان حکیم فرخی سیستانی. به کوشش محمد دبیرسیاقی. چاپ سوم با تجدید نظر کامل. تهران:

زوار ۱۳۶۳

مهدوی دامغانی، احمد. حاصل اوقات. به کوشش سید محمد علی سجادی. تهران، ۱۳۸۱.

نظامی عروضی سمرقندی، احمد. کلیات چهارمقاله. به سعی و اهتمام و تصحیح علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: اشراقی (بی تاریخ از روی چاپ ۱۹۰۹ بریل).

## گرگ-زیستی در بختیاری پژوهشی در مردم‌شناسی فرهنگی

درآمد:

یکی از پدیده‌های فرهنگی شناسایی شده در میان ایران (وهندیان)، رومانیایان و آلمانهای روزگار باستان، اسطوره و آیینهای «گرگ شدگی» است. برخی کارشناسان باور دارند که جنگاوران پیروزمند ایرانی این باورداشت را به باخترزمین (اروپا) برده بودند.<sup>۱</sup> آرمانِ گرگ شدگی:

«گرگ شدگی» باور به اسطوره (ایزد) گرگ و زندگی کردن برابر آیینهای این اسطوره است، که؛ زیستن از راه جنگ و تاراج، و فراهم آوردن زیستمایه از راههایی بیرون از چارچوب قانون پذیرفته شده یکجانشینان و رمه داران است.<sup>۲</sup> بر پایه برخی از باورها و آیینهایی از این دست که ما در کار پژوهش یافتیم، چنین می‌نماید که بختیاریان یکی از گروههای ایرانی‌ای بوده‌اند که به اسطوره و آیینهای گرگ - زیستی باور داشته‌اند.

الف - تک‌نگاری:

خود روشن است که امروزه کسی در بختیاری اسطوره گرگ شدگی را در یاد ندارد و از آیینهای «رازآموزی» و «آشناسازی» (initiation) پیوسته بدان هم، نشانی در میان نیست. با این همه، آنچه از آیینهای پیوسته به گرگ و هستی او هم اکنون در بین بختیاریان بازمانده، ما را بسنده است که بودن این اسطوره و همه آیینهای پیوسته بدان را، به گونه‌ای

یکساخت، به روزگاری در گذشته، در میان ایشان باور داریم.

الف- الف) کاربرد پاره‌های اندام گرگ:

۱- مردان جنگی، در آوردگاه، برای پایدانی و نگهداشت زندگی خود، و چیرگی بر هم‌آوردان، «مِلِ گرگ» به خود می‌آویزند. مِلِ گرگ تکه‌ای از پوست و موی گرگ است.

۲- برای آسان‌سازی زایمان زن سخت‌زا، کمر بند مردانِ گرگ کُش را به کمر زن آبتن می‌بندند.

۳- برای پاسبانی زندگی نوزادان، و نگهداشت جان ایشان در برابر چشم زخم و مرگ، «دستِ گرگ» بر گهواره‌ی ایشان می‌آویزند.<sup>۳</sup>

۴- برای نگهبانی خانه از بدی، «مِلِ گرگ» یا «دستِ گرگ» از آسمانه‌ی خانه می‌آویزند.<sup>۳</sup>

۵- برخی طایفه‌ها، از آن میان به ویژه طایفه موری هنگام کوچ، استخوان یکپارچه سر گرگ را روی بار و بُنه خود می‌بندند.

الف - ب) گرگ - رفتاری / گرگ زیوی:

در میان بختیاران، همواره مردانی می‌زیسته‌اند که روال زندگی و روش فراهم ساختن زیستمایه خود را از راه‌هایی مگر راه توده مردم بر می‌گزیده‌اند. این راه و روش را می‌توان «گرگوار» زیستن خواند! نشانه‌هایی از این راه و روش که امروزه هم، کم و بیش، همچنان برجاست، ما را بر آن می‌دارد که باور به آرمان کرک - زیوی و گرگ - رفتاری در میان بختیاران را بپذیریم. پیش از یادکرد شناسه‌های بنیادی که یافته‌ایم، شاید که نکته‌ای سخت درخور نگرش بیاوریم؛ رفتارهایی چون تنها و پنهان - زیستی، گذران از راه یورش و تاراج و... نه تنها بد شمرده نمی‌شده که سرزنش پذیر هم نبوده است. می‌توان پنداست که پسندیده هم بوده است. دیرتر بدان خواهیم پرداخت.

۱- گرگ پوشی، همراه داشتن تکه‌ای از پوست و موی گرگ (مِلِ گرگ)، به ویژه در نبردگاه، به خودی خود، نماد و بازمانده‌ای از گرگ پوشی (پوشاندن همه سر و تن با پوست گرگ) روزگاران کهن است.

۲- سگ کُشی، تا یک سد و اندی سال پیش هنگامی که گروهی از جنگاوران بختیاری می‌خواستند برای یورش به دشمن، به آهنگ نابودی او، تا پای جان هم پیمان شوند، سگی سیاه را کارد آجین کرده، می‌کشتند. لاشه سگ را در جایی که نشان می‌کردند، در خاک می‌نهادند.<sup>۴</sup>

۳- گرزداری، بسا مردان بختیاری گری در خانه دارند، که مردان شهرنشین و دانش آموخته هم گاه در میان ایشان دیده می شود! خود پدیدار است که گرز در خانه مردانی چنین، هیچ کاربردی ندارد.<sup>۵</sup>

۴- تاراجگری، گذران زندگی از راه تاراج و بردن دارایی دیگران، چنان که اسکندر خان با بادی عکاشه، نزدیک یک سده و نیم پیش در کتاب خود، تاریخ ایمل بختیاری می نویسد:

این شغل (دزدی) را قاطبه مردم ایلاتی و الوار واجب شمرده و جزو هنر رشادت می دانستند.<sup>۶</sup>

میریان سی کوپر امریکایی هم که در آغاز سده بیستم میلادی از بختیاری دیدار کرده، در کتاب خود «سفری به سرزمین دلاوران» (علف)، چنین آورده است:

چنان که پیداست نظر این مردم درباره دزدی با نظر ما یکی نیست. دزد خوب در چشم ایشان شخصی ست بسیار زرتنگ. محمد گفت پسر بچه تا اسبی ندرزیده باشد نمی تواند و نباید با بزرگترهاش یکجا بنشیند.<sup>۷</sup>

همچنین است نمونه هایی از این راه و روش که امروزه و در روزگار ما هم دیده می شود: برابر روش پذیرفته شده، چنانچه دام یا دامهای کسی دزدیده شود، مالباخته از رفتن به نزد دستگاههای پلیس خوداری می کند. به جای این کار، برای یافتن و بازگرفتن دامهای دزدیده شده، کسانی به نام «گواهی ده» را فرا می خوانند و نام دزدان و جای پنهان کردن دامها را باز می پرسند. سپس با بودن بزرگتری از طایفه یا ایمل، دامها را پس گرفته در برابر آن پول یا کالا به نام «شیرینی» به دزدان می دهند. درآمد دام، یعنی پشم و شیر دام، از آن مالبر، و بره و بزغاله زاده شده در این میان، از آن خود دامدار است.<sup>۸</sup>

۵- تک و پنهان زیستی، هم از روش این مردان می بوده است.

۶- شکارگری را همه مردان بختیاری بسیار دوست می دارند، و گرگ - زیستان بیش از دیگران! چنان دوستدار شکارند که بسا گونه های جانوری چون شیر و پلنگ، یا یکسره نابود شده یا سخت کمیاب گردیده است.<sup>۹</sup>

۷- جنگاوری و جنگجویی، همه اندیشه اینان انباشته از انگاره جنگاوری و جنگجویی است، و روی هم رفته مرد را در دید ایشان، تنها، شکار و جنگ شایسته است و بس!

۸- گرفتن زمینهای دیگران به زور و جنگ و جایگزین شدن در آن زمینها، که نمونه آن را در «کیارسی، طایفه ای در بختیاری» دیدیم.<sup>۱۰</sup>

۹- هراساندن روستاییان و یکجانشینان و خوار داشتن راه و روش زندگی ایشان.

۱۰- خشم پهلوانی، که بختیاربان می پسندند و داستانها از مردانی می سرایند که

هنگام خشم به کوبش مستی، برای نمونه، استری را کشته اند!  
 ۱۱ - نامهای آمیخته با گرگ، همچون گرگین و گرگعلی و مانند آن از نامهایی ست که بسی مردان بختیاری بدان نامیده شده اند.  
 ب - گزارش:

می توان دید که زندگی این گروه با روش زندگانی دهگانان، روستایان، و تا اندازه ای، کوچروان ایرانی ناهمگن و ناهمخوان است. یاد گروهی بختیاریان سرشار از داستانها و سرگذشتهای راستین از کسانی ست که همواره با قانون درگیر بوده اند و از یار و دیار آواره، پس ناگزیر از زندگی پنهانی در کوه و جنگل و همیشه گریزان. این مردان پرخشمی که بیرون از همه آیینها و هنجارهای همگانی می زیند و گذران می کنند و خود را وابسته به راه و روش توده مردم نمی دانند، به ناچار همواره در جستجوی جایگاه و پناهگاهی تازه اند. بیگمان پیشه کردن چنین روشی خوردن کسانی ست که تاب و توانی فراتر از میانگین در خود فراهم ساخته اند. از دیگر سوی، مردم با پذیرش و ستایش به ایشان می نگرند.

همه آنچه یادشد ما را بر آن می دارد که دو نکته بنیادی را بپذیریم:  
 نخست آن که آنچه در پیوند با گرگ برگزار می شود همیشه یکنواخت و بلا تغییر، و پس «آیین» است.

دوم، توده مردم این روشن و این مردان را به دیده پذیرش می نگرند، پس بنیادی برای این پذیرفتاری باید! آن بنیاد اسطوره این آیینهاست.

اسطوره گرگ و گرگ شدگی را پیشر یاد کردیم اینک جای آن دارد که پیوند آیینهای یاد شده که در بختیاری برگزار می شود، با اسطوره دریابیم:

۱- گرگ پوشی در بُن‌گاه در بُن خود گرگ شدن است: ترس، دلیر، بیباک، هراس انگیز، ددخوی و درنده! مل گرگ به خود بستن بازمانده نمادین این آیین است.

نیز به دیدار ایزد گرگ درآمدن است. پس: شکست ناپذیر، در پناه و دست نیافتنی، همچون همان ایزد گرگ.

۲- مردی، گرگ (= توتم در بُن خود، ایزد) را کُشته پس در جای او نشسته است. کمر بند او، همچون هر بخشی از جامه و تن پوش او، بخشی از هستی او، پس ورجاوند است. این کشتن، او را به بُن تقدس پیوند می دهد، یعنی به ایزد و جایگاه برین او. بستن کمر بند این هستی ایزدی به زب آستن، آن بانورا به بنیاد این ورجمندی پیوند می دهد. پس گرگ - ایزد (پدر / مادر) در کارزایمان و گرگ بچه در کارزاده شدن است. براین

پایه، رویداد ازلوی پدیدار شدنِ گرگِ نخستین، بازسازی می شود.

۳- دستِ گرگ به گهواره آویختن، نوزاده را در پناه و پاسداری گرگ- ایزد نهادن است.

۴- بستن استخوان یکپارچه سر گرگ بر بار و بنه در کوچ، نگهبانی و برکت بخشی را می رساند. این که کسی را با «گرگوارگان» کاری نیست، هم از افزون بخشی ایشان سرچشمه می گیرد.

۵- سگ کُشی، برای بازگویی نمادین آمادگی جنگاوران برای پیروزی به همراه شدنی ست. چه، سگ، نماد زندگی آرام، سامان یافته، به هنجار و دادمندان است. کشتن سگ، که نگهبان همه آن راهها و کردارهای به آیین است، شکستن مرزهای زندگی آراسته و فراز رفتن از چارچوبه آن است، گرگ شدن است!

۶- مِلِ گرگ به آسمانه آویختن، نمادگویی آن است که این خانه در پناه ایزدِ گرگ است. خانه گرگ است!

۷- همه دیگر آیینها که یاد کردیم، همچون گرزداری، تاراجگری، شکارگری، و... درست و بی هیچ کم و کاست با شناسه های پذیرفته شده گرگ شدگی، آرمانِ گرگ شدن، همپوشانی دارد. در این میان به ویژه نام گرگ بر خود نهادن، چون «گرگین» و مانند آن، درستی برداشت ما درباره پیوند میان این آیینها و اسطوره فراموش و پنهان شده را استوار می دارد.

باور به آرمان (= ایده نولوژی، دین) گرگ شدگی، آرزو و امید به نیرووری و رهایی از همه ناتوانیها و ستمهایی ست که «انسان» در چنگ آن گرفتار است. آزاد، رها و نیرومند، چون گرگ!

اتریش

### سندها و یاد آوریا:

۱- ۲- اولاً برای آگاهی از چند و چون آرمان گرگ شدگی، پژوهش نگاشته زیر در دسترس است: یاد بهار (یادنامه دکتر مهرداد بهار)، گروه نویسندگان، آگاه، تهران، ۱۳۷۶، صص ۲۹۱-۳۱۱: داکها و گرگها، نوشته میرجا الیاده، ترجمه محمد علی صوتی.

پژوهشهای بسیار دیگری هم به زبانهای جز فارسی در دسترس است که در همان نوشتار یاد شده آمده است. افزون بر گواهی الیاده که ایرانیان فرهنگ گرگ شدگی را به اروپا بردند، نیک می دانیم که قبیله ایرانی سمرت و طایفه های وابسته به آن همچون «آران / الان» ها و «باسوج» تا دورترین جاهای باختر اروپا را درنوردیده و در برخی از آن جاها ماندگار شدند؛ چون کاتالونیا (= کلت / سلت + الان) در اسپانیا و فرانسه و باسوجها در اتریش و باواریا



(آلمان). کاویدن پیوند میان این یاسوج و شهر یاسوج در ایران و بویر (احمدی) در ایران و باویر در آلمان شاید برخی نکته‌های ناشناخته فرهنگی را روشن سازد!

۳- کریمی، علی اصغر: سفر به دیار بختیاری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۴.

۴- بابادی عکاشه، اسکندر: تاریخ ایل بختیاری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۴۴.

- در زبان آلمانی چنین زبازدی هست که: *Da biegt der Hund begraber!*: این جاست که سگ در خاک شده است!

این زبازدی هنگامی به کار می‌رود که یکی از دو تن به هیچ استدلال دیگری تن نمی‌دهد و ناگزیر باید یادآور شد که حداقل بر سر این یک نکته، یعنی که سگ این جا چال شده است، همداستانیم! به گمان نگارنده، این زبازدی برآمده از آیین «سگ کشی» ست که تا دو سه سده پیش در سرزمینهای آلمانی نشین رواج داشت.

۵- یادبهار، فرهنگسرا، ۱۳۶۷، همان. گرز همیشه نماد «گرگها» بوده است. گرز در خانه داشتن مرد شهرنشین، هیچ نیست مگر بذیرفتن فرمانی از «ناخودآگاه گروهی» (collective unconscious) او، همچون بسیاری کنشهای آیینی انسان مدرن!

۶- بابادی عکاشه، اسکندر: تاریخ ایل بختیاری، همان، ص ۵۰۸.

۷- کوپر، میریان سی: سفری به سرزمین دلاوران، ترجمه امیر حسین ظفر ایلخانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۲۴، ص ۷۶.

۸- ورهرام، فرهاد: از دژ تازده، دو سال کوچ همراه با یک خانواده از ایل بختیاری، تک نگاری تایپ شده، ص ۱۶.

۹- در فرهنگ ایرانی همواره مرد با شکارگری و جنگاوری ارزشمند شمرده می‌شد. همچنان که بهرام یکم (۷۶-۲۷۳ م.) شاهنشاه ساسانی دو گناه بزرگ برمانی و پیروان او می‌نهد و ایشان را بی ارزش می‌خواند؛ شکار نمی‌روند و جنگ نمی‌کنند، پس فرمان مرگ او را می‌دهد! نک به: ویدن گرن، گنو: مانی و تعلیمات او، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، ؟، تهران، ۱۳۵۲، صص ۵۵-۵۷.

۱۰- ایران شناسی، سال هفدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴، «کیارسی، طایفه ای در بختیاری»، نوشته بیژن شاهرادی. صص ۵۴-۶۳.

روی هم رفته پرهیز سخت این گرگ - مردان از درازدستی به زنان و کودکان و دستگیری از بیویان ایشان را همچون گونه ای از عبارات، یا حداقل پیشدرآمدی بر فرهنگ عیاری و جوانمردی می‌نمایاند!

نمونه ای از باور به افزون بخشی دزدان / گرگان در شهرها در روزگار ما را نگارنده در مشهد دید، که دوستی، انبوهی تیر آهن را بی نگهبان بر زمین نساخته ای، از آن خودش، در کناره پرتی از شهر رها کرده بود. در برابر پرسش نگارنده که شاید دزد از این تیر آهنها ببرد، گفت: مُدوئُم، مُخام مالم پاک بره! (می دانم، می خواهم مالم پاک شود!)

## بررسی اشعار میرزا آقاخان کرمانی در سه کتاب:

### رضوان، ریحان، و نامه باستان

(۲)

کتاب ریحان بوستان افروز بر طرز و ترتیب ادبیات فرنگستان امروز: از این کتاب که ظاهراً در سال ۱۳۱۳ هـ. ق. و در طرا بوزان نوشته شده یک نسخه خطی به خط میرزا آقاخان کرمانی در کتابخانه مجتبی مینوی یافتیم که اساس بررسی ما قرار گرفت. این نسخه در قطع بغلی ست و تعداد صفحات آن از بیست تجاوز نمی کند. آنچه که از توضیحات خود مؤلف در مقدمه کتاب بر می آید آن است که طرح اصلی کتاب، بر داشتن یک مقدمه و ده بخش یا دریچه قرار گرفته بود ولی متأسفانه از آن تنها یک مقدمه و یک بخش را به پایان برده است. کتاب در میان بخش اول و با کلمه «رفته رفته» متوقف شده است.

برای شناخت محتوا و داستان چگونگی آفرینش آن باید از تحلیل عنوان آن آغاز کنیم: «کتاب ریحان بوستان افروز بر طرز و ترتیب ادبیات فرنگستان امروز». از همین عنوان می توان دریافت که نویسنده داعیه و قصد آفرینش سبک و شیوه ای نوین را دارد. بر خصوصیت سبک تأکید می ورزد. هرچند کلمه سبک را به کار نمی برد، ولی واژه های «طرز» و «ترتیب» را به همان معنی سبک به کار می گیرد که در ادب ما پیشینه ای دیرینه دارند.<sup>۲۵</sup>

اما انگیزه نگارش این کتاب را ظاهراً نقد تند و تیزی که یکی از دانشمندان ایرانی بر

# *Iranshenasi*

A JOURNAL  
OF IRANIAN STUDIES

New Series

**Editor :**

Jalal Matini

**Associate Editor :**

(in charge of English Section)

William L. Hanaway

University of Pennsylvania

**Book Review Editor :**

Heshmat Moayyad

**Advisory Board :**

Peter J. Chelkowski,

New York University

Djalal Khaleghi Motlagh,

Hamburg University

Heshmat Moayyad,

University of Chicago

Roger M. Savory,

University of Toronto

**Former (deceased) Advisors:**

Mohammad Djafar Mahdjoub

Zabihollah Safa

The views expressed in the articles are those of the authors  
and do not necessarily reflect the views of the Journal.

All contributions and correspondence should be addressed to:

The Editor: Iranshenasi

P.O.Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A

Telephone : (301) 279-2564

Fax : (301) 279- 2649

Internet: [www.Iranshenasi.net](http://www.Iranshenasi.net)

**Requests for permission to reprint more than short  
quotations should be addressed to the Editor.**

Annual subscription rates (4 issues) are \$55.00 for individuals,  
\$45.00 for students, and \$140.00 for institutions.

The price includes postage in the U.S.

For foreign mailing (Air Mail), add \$19 for Canada, \$42 for other countries

# *Iranshenasi*

A JOURNAL OF IRANIAN STUDIES

New Series

---

Abstracts of Persian Articles by:

Koorosh Angali  
Jalal Matini  
Mahmoud Omidsalar  
Chahin Seraj  
Bijan Shahmoradi  
Zahra Taheri